

مردم‌شناسی سوگ (پرس) در ایل کاکاوند

سیاوش قلی‌پور *

(تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۵، تاریخ تأیید: ۹۸/۰۶/۲۵)

چکیده

سوگ جایگاه رفیعی در ایل کاکاوند دارد. این مقاله تلاش می‌کند دلایل اهمیت و گستردگی آن را بکاود. روش مطالعه اتنوگرافی و فنون گردآوری داده مشاهده مشارکتی و مصاحبه است. یافته‌ها نشان می‌دهند: سازمان اجتماعی کاکاوندی‌ها مبتنی بر تمایز طوایف است که در درون هر ایل سلسله مراتب ایل، طایفه، تیره، هوز و مال قرار دارد. سوگ در میان ایل کاکاوند سه کارکرد مهم و اساسی دارد: حل منازعه، برساخت تمایزات اجتماعی و همبستگی اجتماعی. نخست، ساختار افقی ایلات و طوایف سبب بروز منازعات زیادی است که در درون نظام‌های بوروکراتیک مدرن قابل حل نیست. سوگ با مکانیسم‌های خاصی در کاستن تنش نقش دارد. دوم، سوگ از طریق مراسمی باشکوه و خواندن نام طوایف، متوفی و جایگاه بازماندگان در برساخت تمایزات نقش دارد. همچنین محلی برای نمایش تمکن مالی است. سوم، سوگ از طریق الزام درونی و مکانیسم جبران همبستگی اجتماعی را افزایش می‌دهد. زیرساخت‌های مدرن مانند فضای عمومی، فضای مصرف، دیوان‌سالاری چابک برای انجام کارکردهای بالا وجود ندارد. بدین ترتیب سوگ سایتی است که به راحتی از عهده تمام کارکردهای بالا بر می‌آید. همچنین، طوایف نیاز به اجتماعاتی برای حیات خود دارند. اجتماعات مدرن مانند کنسرت، همایش و نظایر آن وجود ندارد در نتیجه سوگ این وظیفه را بر عهده دارد. بنابراین جایگاه رفیع سوگ به دلیل فقدان زیرساخت‌ها و اجتماعات مدرن است.

واژگان کلیدی: سوگ، نظام اجتماعی، ایل کاکاوند، تمایز اجتماعی، همبستگی اجتماعی.

۱- مقدمه و بیان مسئله

سوگ جایگاه والایی در ایل کاکاوند دارد به نحوی که ساکنان این ایل بخش زیادی از زمان خود را به برگزاری آن اختصاص می‌دهند. آن‌ها پنج‌شنبه از ساعت یک بعد از ظهر تا غروب به طور کامل درگیر سوگ هستند. تلاش می‌کنند که حداقل در پنج الی شش مراسم شرکت کنند.

«پنجشنبه‌ها کاری غیر از پرسه رفتن نداریم از این مسجد به مسجد بعدی و در مواردی به روستاهای اطراف می‌رویم. زمان زیادی صرف این کار می‌کنیم. آخه همیشه انتظار دارند. چنانچه نریم بعداً گله می‌کنند و آدم نمی‌دونه چی جواب بده» (مظفر، ۴۵ ساله دبیر آموزش و پرورش، طایفه نخی‌خولام).

اختصاص دادن زمان بعد از ظهر پنجشنبه به مشارکت در سوگ عمومی است و تمام افراد درگیر آن هستند. تنها استثنا در این زمینه کودکان و دخترانی هستند که هنوز ازدواج نکرده‌اند. با نگاهی ساده به شهر و یا روستاها متوجه حضور گسترده دسته‌ها و گروه‌هایی می‌شویم که در گذرها و کوچه‌ها در حال رفت و آمد به مناسک سوگواری هستند. در مواردی مشاهده می‌شود که افراد نمی‌دانند عزای کیست اما مشارکت می‌کنند. شرکت در سوگ به یک عادت در میان مردمان این سرزمین تبدیل شده است. در گفتگوهای روزمره این ایل، سوگ بیشترین جایگاه را دارد. گویی سوگ سایه کامل خود را در این سرزمین پراکنده است. خبر مرگ افراد، کیفیت برگزاری سوگ، بازگویی خاطرات فرد متوفی، نحوه حضور افراد در مناسک، نحوه بروز احساسات، کیفیت سنگ قبر، درختان قبرستان، سایبان، آبرسانی، نحوه طبخ غذا، مراسم جانبی آن وجه غالب گفتگوهای افراد است. به راستی مرگ تنها واقعه مهم این سرزمین است و غیر از این قرار نیست اتفاق دیگری رخ دهد. اگر هم باشد به زودی فراموش می‌شود و خیلی درباره آن بحث و گفتگو نمی‌کنند.

برای شناخت بیشتر جایگاه سوگ در میان ایل کاکاوند ضروری است در سطحی عمیق‌تر به این مهم توجه کنیم. با مرگ فردی از اعضای نظام خویشاوندی تمام افراد عضو این شبکه می‌بایست در تشییع جنازه شرکت کنند. چنانچه کسی در این مناسک حضور نداشته باشد شدیداً

مورد شمامت قرار می‌گیرد و حتما دلیل محکمی (مانند دوری، بودن در بستر بیماری) برای این عدم حضور باید داشته باشد. یکی از مصاحبه شونده‌گان می‌گوید:

«مادر صیدولی سال ۱۳۷۰ درگذشت و من در تنگستان مشغول خدمت بودم نتوانستم در مراسم ترحیم شرکت کنم. از اون وقت تا آخرین بار که دیدمش (همین دو ماه پیش) مهر ۱۹۷ (هنوز منو نبخشیده و مدام این قصور بنده را گوشزد می‌کنند) (نعمت‌اله، سرهنگ بازنشسته از اهالی هرسین).

چنانچه فرد تا روز هفتم در سوگ شرکت نکند برای همیشه مورد غضب صاحب عزا قرار می‌گیرد و تمام ارتباطات خود را با وی قطع می‌کنند که بدان «پرس بران»^۱ می‌گویند. زیرا اعتقاد بر این است که پرس چنان مراسم بزرگی است که دشمنان لیاقت حضور در این مراسم را ندارند.

مشارکت در سوگ الزام‌آورترین رفتار کاکاوندی‌هاست. برای فهم این مطلب لازم است به کاکاوندی‌های مقیم تهران اشاره کنم. در مواردی اتفاق افتاده است که آن‌ها در یک هفته دوبار برای سوگ به منطقه کاکاوند رفت و آمد کرده‌اند. میزان مرگ و میر کاکاوندی‌ها بر اثر تصادف در جاده تهران کرمانشاه در سال‌های اخیر افزایش یافته است عمده این سفرها به مقصد سوگ است.

جایگاه بی بدیل سوگ فقط خاص کاکاوندی‌ها نیست و در میان قوم لک و دیگر اقوام زاگرس میانی با اندکی تفاوت کماکان برجسته است. حضور سوگ را می‌توان در جای جای این سرزمین حس کرد. علائم بیرونی آن مانند اعلامیه ترحیم، بنرهای نصب شده در سر درخانه‌ها، صدای بلندگوی عزا، شیون زنان در کوی و برزن و کنار بیمارستان‌ها، دسته‌های زن و مرد که در کوچه برای ادای احترام به مصاف هم می‌روند، به وضوح نمایان است. معهذاً داده‌های آماری چیز دیگری را نشان می‌دهند.

۱. اصطلاحی است برای اینکه فرد دیگری را از شرکت در مراسم عزاداری خود و خانواده‌اش منع کند. این ممنوعیت نوعی قطع رابطه برای همیشه است.

جدول شماره ۱: میزان واقعه مرگ و رخداد ازدواج در استان‌های محل سکونت کاکاوندی‌ها (در هزار

نفر) منبع: سالنامه ثبت احوال و سرشماری نفوس و مسکن ۱۳۹۵

ایلام	همدان	لرستان	کرمانشاه	کل کشور	
۴/۵	۵/۸	۴/۲	۵/۵	۴/۶	مرگ
۱۰/۹	۹/۷	۱۰/۸	۱۰/۲	۸/۸	ازدواج
۲/۴۲	۱/۶۷	۲/۵	۱/۸۵	۱/۹۱	نسبت ازدواج به مرگ

بر طبق داده‌های جدول شماره ۱ میزان ازدواج در استان لرستان ۲/۵، ایلام ۲/۴۲، کرمانشاه ۱/۸۵ و همدان ۱/۶۷ برابر مرگ است. با این که ازدواج حدوداً دو برابر مرگ است اما نمود کمتری دارد. اکنون این سوال مطرح است که چرا سوگ (پرس) چنین جایگاه والایی در میان کاکاوندی‌ها دارد؟

۲- پیشینه پژوهش

مطالعات اندکی در مورد سوگ انجام گرفته است و ما کماکان با فقر مطالعاتی در این حوزه به ویژه در مورد ایل کاکاوند روبرویم.

گیلانی و گیلانی (۱۳۹۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «سوگ سیاوش و شباهت آن با سوگ آیین‌های محلی لری و کردی» به مقایسه مناسک سوگ در غرب کشور با آیین سیاوشان پرداخته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که بسیاری از آداب سوگواری مانند نواختن سرنا، ساز چَمَری، مضامین اشعار، خاک بر سر ریختن، گیس بریدن، روی خراشیدن تحت تاثیر آیین سیاوشان است.

خاکسار (۱۳۹۶) در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی جایگاه نمادها و نمادپردازی در مراسم آیینی-نمایشی چمر (مطالعه موردی بر روی قوم کرد در ایران)» به بازنمایی و شناساندن این مناسک پرداخته است. روش پژوهش تاریخی، توصیفی و ساختارشناسانه است. یافته‌ها بیانگر آن است که عناصر چَمَری مانند عَلم، کُتل، سیاه‌چادر، رفتارها، فریادها، موسیقی، حرکات دست در

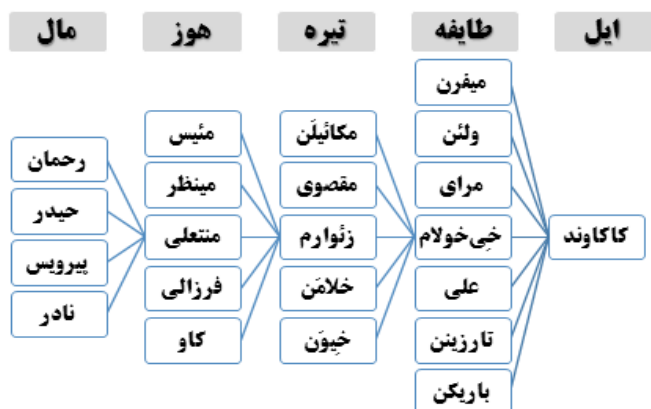
حین سوگواری، گِل مالی، وارونه کردن ابزار کار، تابوها، سیاه پوشی و بریدن گیسو زبان نمادینی جهت بیان مفاهیم هستند. مفاهیمی که برقرار کننده روابط اجتماعی مبتنی بر احترام و تکریم متوفی هستند.

مراذخانی و قبادی (۱۳۹۰) در مقاله‌ای تحت عنوان «آیین سوگواری در ایل کاکاوند» به توصیف مناسک سوگ پرداخته‌اند. روش مطالعه میدانی است. یافته‌های پژوهش توصیف دقیقی از مراسم زمان مرگ، شستشو دادن و کفن پوشاندن، تدفین، پُرسه (زنان و مردان)، چمری، آیین‌های ویژه (موسیقی، روی خراشیدن، گل مالیدن، جامه چاک کردن، داوار برگرداندن، آتش برافروختن، عَلم و کُتل، سیاه پوشیدن، مراسم هفتم، سوگوار ماندن و پرهیز از شادی، مراسم چهلم، مکئس، مراسم نوعید، عید مردگان و عید سالگرد است.

مطالعات انجام گرفته توصیفی دقیق از مناسک سوگ در غرب کشور هستند. آن‌ها دلایل اهمیت و شکوه سوگ را بیان نمی‌کنند. مقاله حاضر تلاش می‌کند به این بعد بپردازد. مناسک دیگری مانند دنان روکی، ختنه سوران، سُور، جشن تولد در ایل کاکاوند وجود دارند اما اینها اهمیت چندانی ندارند.

۳- جامعه مورد مطالعه

کاکاوند یکی از ایلات بزرگ لک در میان چهار استان لرستان، کرمانشاه، همدان و ایلام است. شیوه زندگی آن‌ها کشاورزی است و تعداد اندکی از آن‌ها مشغول کوچروی هستند. از دهه ۴۰ مهاجرت روستا به شهر در میان آن‌ها شروع شد و مقصد آن‌ها شهرهای هرسین، صحنه، کرمانشاه در استان کرمانشاه و نورآباد در استان لرستان است. در دو دهه اخیر مهاجرت به شهرهای شهریار، شهرک قدس و شهرک اندیشه در استان‌های تهران و البرز نیز افزایش یافته است. زبان آن‌ها لکی و دارای مذهب شیعه‌ی دوازده امامی هستند. نظام اجتماعی کاکاوندی‌ها مبتنی بر خانواده و خویشاوندی است. سازمان اجتماعی آن‌ها بدین صورت بوده و هست.



نمودار شماره ۱- نظام اجتماعی ایل کاکاوند، با تمرکز بر روی هوز متتعلی، منبع: مطالعات میدانی ۱۳۹۷

این ایل دارای ۷ طایفه بزرگ است که در درون آن‌ها تمایزات تیره، هوز و مال نیز وجود دارد. اصلی‌ترین واحد اجتماعی آنان مال است. اعضای آن بین ۵۰ الی ۲۰۰ نفرند. بزرگان هوز^۱ معمولاً سالمندان و ریش‌سفیدان هستند. از مجموع چند هوز تیره و از مجموع چند تیره طایفه و از مجموع چند طایفه ایل به وجود می‌آید.

۴- پرسش‌های پژوهش

۱- ویژگی مناسک سوگ در میان ایل کاکاوند چگونه است؟

۲- چرا سوگ در میان ایل کاکاوند جایگاه والایی دارد؟

۵- روش پژوهش

روش پژوهش مردم‌نگاری است. مردم‌نگاری توصیفی عمیق و همه‌جانبه از جامعه مورد تحقیق است (جکسون، ۱۳۹۶ و مارچسیون، ۱۳۹۲). جامعه‌ی مورد مطالعه‌ی این پژوهش ایل کاکاوند است. فنون گردآوری داده در این مقاله عبارتند از مشاهده مشارکتی و مصاحبه. نویسنده مقاله از ساکنین ایل کاکاوند است و به کرات در مناسک سوگ شرکت کرده و از نزدیک شاهد تمام اتفاقات آن بوده است. فن بعدی مصاحبه است. در مصاحبه‌ها از اطلاع‌رسان‌ها در حوزه‌های

1. hooz

مختلف استفاده شده است. اطلاع‌رسان‌ها برای روش اتنوگرافی بسیار مهم و تأثیر گذارند، آن‌ها نه تنها بصیرت‌هایی برای موضوع مورد مطالعه فراهم کردند بلکه منابع اطلاعاتی دیگری را معرفی و دسترسی به این منابع را تسهیل می‌کنند. بر این اساس پس از ۲۰ مصاحبه داده‌ها تکرار شده و پژوهش به اشباع نظری رسید.

شیوه تحلیل داده‌ها: در اتنوگرافی شیوه تحلیل داده‌ها شکل و یا مرحله واحدی ندارد و فرآیندی است که از بیان مسئله تا گزارش‌نویسی اتفاق می‌افتد.^۱ تحلیل این پژوهش به پیروی از مراحل سه گانه (تحلیل، تفسیر و گزارش نویسی) بریور (2005: 109) انجام گرفته است: **مرحله اول**، این مرحله خود دارای ۶ بخش است. ۱-مدیریت داده‌ها: انبوهی از داده‌ها گردآوری و در بخش‌های ریز و قابل مدیریت سازماندهی شد. ۲-کدگذاری: به هر کدام از این بخش‌ها کدهایی اختصاص داده شد. ۳-تحلیل محتوی: کدها به بخش‌های مختلف و کدهای ریزتر تبدیل و در مواردی کدگذاری مجدد صورت گرفت. ۴-توصیف کیفی: ویژگی‌های کدها و بخش‌های جزئی‌تر آن‌ها با دقت توصیف شدند. ۵-استخراج الگوها: روابط میان کدها، زیرکدها در میان موقعیت‌ها، فضا و تعاملات مقایسه و تقابل داده شدند و در نهایت الگوهای بدست آمد. ۶-طبقه‌بندی: داده‌ها به چهار دسته کلی نظام اجتماعی، مناسک سوگ، کارکردهای سوگ و جایگاه آن در شهرهای کوچک و کلان شهرها تقسیم شدند. **مرحله دوم**، تفسیر داده‌ها: تمام یافته‌ها در ارتباط با هم قرار گرفتند تا جایگاه رفیع سوگ توضیح داده شود. **مرحله سوم**، ارائه گزارش: نظام اجتماعی و جغرافیای کاکاوندی‌ها، توصیف مناسک سوگ، کارکردهای سوگ و سوگ در غیاب نهادها و اجتماعات مدرن مد نظر قرار گرفتند.

۶- یافته‌های پژوهش

۶-۱- توصیف مناسک سوگ

در زبان لکی پرس به معنای سوگواری و عزاداری در ماتم از دست رفتن عزیزان است. پرس مناسکی ساده نیست، بزرگترین اتفاق و رویداد در درون ایل کاکاوند می‌باشد و ممکن است

1. Fetterman, 2010; Hammersly and Atkinson, 2007; Boyden and Taylor, 1977

که افراد تا سالیان سال در سوگ عزیزان‌شان رخت عزا بر تن کنند و شامل مراسمی است که از هنگام مرگ افراد آغاز شده و تا مدتها (بسته به آداب و رسوم مناطق و طوایف) ادامه می‌یابد. علی‌رغم این که آئین پرس با گذشت زمان بویژه در نواحی شهری تغییراتی را متحمل شده است اما هنوز با شکل اصیل خود برگزار می‌شود و دارای سه مرحله است: ۱. سرگش^۱ ۲. چمر^۲ ۳. آزیتی^۳.

سرگش: همه اقوام، دوستان و آشنایان به بالین فرد در حال احتضار دعوت می‌شوند تا وی به راحتی مرحله گذر به جهان ابدی را طی کند. بعد از مرگ تمام طوایف و آشنایان برای مراسم خاکسپاری (سرگش) دعوت می‌شوند، اکثر افراد این دعوت را می‌پذیرند و بیش از آن تعدادی که دعوت می‌شوند در این مراسم حضور می‌یابند. در میان این مردمان هم‌زمان با وفات، فردی برای اعلام به مناطق دوردست روانه می‌شوند و به اصطلاح دیگران را دنگ «*dan*»^۴ می‌کنند. سپس متوفی را به غسل خانه برده و غسل می‌دهند به هنگام بازگرداندن او به خانه در پیشاپیش جسد گوسفندی را قربانی می‌کنند. این بدان معناست که فرد متوفی همچنان و تا ابد برای خانواده‌اش مورد احترام است. مردان با گفتن جمله‌هایی از قبیل: *هی داد هی بی داد* و با خراشیدن چشم و ابروان خود به نشان از بین بردن بهترین چیز، همدردی خود را به صاحب عزا نشان می‌دهند و صاحب عزا در این هنگام سعی بر آن دارد که مانع از عمل *داد* و *بی داد* آنان شود و با گرفتن دست آنان نشان می‌دهد که احساس همدردی آنان را می‌فهمد و سعی دارد آنان را از این عمل باز دارد. زنان نیز با فریادهای حزن‌انگیز شروع آه و ناله می‌کنند. در برخی از طوایف کاکاوند به هنگام تشییع جنازه جوانان با سر دادن *کیل*، تولد فرد متوفی را در جهانی دیگر به او تبریک می‌گویند.

۱. تشییع جنازه

۲. مراسم سوگواری باشکوهی که یک روز بعد از تشییع جنازه بر پا می‌شود

۳. آیین مربوط به سوگواری که بعد از چمر اجرا می‌شود

۴. برای آشنایی با چگونگی تلفظ واژه‌های لکی از نشانه‌های فونتیک زبان انگلیسی که در دیکشنری اکسفورد کاربرد دارد، استفاده شده است.

چَمَر^۱: مراسم سوگواری باشکوهی که یک روز پس از تشییع جنازه برپا می‌شود. برای ادای احترام جمعی و همگانی به فرد متوفی انجام می‌شود و از بر آمدن آفتاب تا فرو نشستن آفتاب ادامه دارد. چمر دارای جنبه‌های متعددی است.

الف. هَرئ مالین^۲: یکی از رسوم کهن در آئین پرس، رسمی است که نزدیکان متوفی به سر و شانه‌ی خود «هَرئ=گل» می‌مالند این همان نماد خاک بر سر شدن «البته با کمی احتیاط» است.
بورن بگرئون گِل وه کوله‌وه کَشِم‌ها وه دهس مردئ شوره‌وه
Bu:ren bgeri vn gel væ ku:lawæ Lashem ha væ dæs merdi shu:rawæ
بیاپید بگریید و گل بر شانه‌هایتان بمالید/ جنازه‌ی [عزیزما] در دست مرده‌شویی است.

کَشِت کَنته چوی خرمون گُل دل دار و بع دل گُل نیشتن وه گِل
Læshet katr æ cheoi kharmoni gol Del dareo bi del kol nishten væ gel
جنازه‌ات همچون خرمن گل [بر خاک] افتاده است/ دوست‌دار و دشمن همه [برای تو] به گِل نشسته‌اند.

ب. کُتِل^۳ و عَلم^۴: «چَمَرگاه^۵» مکانی است که تصاویری از سوگ‌نامه‌های شاهنامه را تداعی می‌کند. در میان چَمَرگاه اسلحه، دوربین، قطار و لباس‌های فرد متوفی را بر روی اسب وی که با پارچه تزیین شده زین می‌کنند و اسب او را به اصطلاح «کُتِل» می‌کنند و یا اسلحه، دوربین، قطار و لباس‌هایش را حول چوبی آویخته و «عَلم» برپا می‌کنند. اگر متوفی زن باشد «هَراتی^۶» و زیور

۱. «چَمَر» در فرهنگ مردوخ: دایره، حلقه و (چهمه‌ری) دهل عزا
- «چَمَر» در لغت‌نامه دهخدا: آشکار و ظاهر
- «چَمَر» در فرهنگ عمید: محیط، دایره و هر چیز دایره مانند
- «چَمَر» معانی مختلفی در ایل کاکاوند دارد که عبارتند از:
«چهمه‌رئ»: چشم به راه بودن
«چَم و چَماین»: خم و خم شدن.
۲. گِل مالیدن بر سر و شانه به نشان عزادار بودن.
۳. اسب متوفی که با اسلحه، قطار، کلاه و ... متوفی تزیین می‌شود
۴. داری که با لباس‌های متوفی تزیین می‌شود
۵. محل برگزاری مراسم چمر
۶. جنس سریند زنان از هراتی است

آلات او را بر غلم می‌آویزند و زنان «شین‌کنان» همراه با نوای چَمَری تا نیمه‌ی روز گرد آن به سوگواری می‌پردازند. نزدیکان متوفی گیسوان خود را بریده، بر کُتل و غلم می‌آویزند و پیشاپیش جمعیت به حرکت در می‌آیند. امروزه با توجه به کم‌رنگ شدن زندگی کوچروی در بین ایل کاکاوند و به تبع از بین رفتن سوارکاری، این رسم نیز در بین آنان کم‌رنگ شده است. تنها رسم "گیس‌بران" به شکل بسیار ضعیفی برجای مانده است. اصطلاح گیس‌بریده در اشعار سوگ با این رسم پیوند دارد.

لیلت دره مائ زویخواو وه ناریک نهمه‌ن گئس وه سه‌ر له‌چک وه تارک
 Leilät derä mai zeokhaw vā narek Næmæn gi s vā sār læchek vā tarek
 دلدارت با گونه‌های خنج کشیده و خون‌آلود از در می‌آید/ نه موی به سر خود باقی گذاشته
 و نه لچکی بر سر دارد.

گهل گهل نازاران گئس وه چه‌نگه‌وه هه‌ر ناخ مه‌کیشین پی هره‌نگه‌وه
 Gæl gæl nazaran gi s vā chænəwæ Hær akh mækishen pe herəwæ
 نازنینان [= زنان] دسته دسته گیسوان خود را در چنگ گرفته‌اند/ [و] برای عزیز از دست
 رفته آه [سرد] می‌کشند.

ئه‌ر دهر ماله‌کته داله گئژونه نمهم سویره‌کته یا گئس برونه
 Ær dær malækæt dalæ Nemæm soirekæ ia gi s beru:næ
 gi zhu:næ
 بر در خانه‌ات غوغایی برپاست/ نمی‌دانم [شور] عروسی است و یا [فغان] «گیسوان بریدن»^۱
 است.

بار تا بوریرمن گئس لار شو‌دئز ئه دونیا چئه خُسرو په‌روئز

۱. گیسوان بریدن آیینی است که از دوران گذشته در ایران وجود داشته است و فردوسی نیز در زمان مرگ سیاوش در شاهنامه به آن اشاره می‌کند:

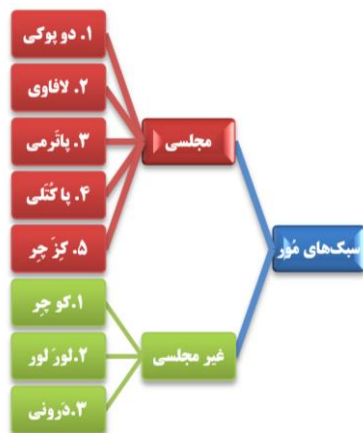
ز سر ماهرویان گسسته کمند خراشیده روی و بمانده نژند
 همه بندگان موی کردند باز فرنگیس، مشکین کمند دراز
 برید و میان را به گیسو بست به فندق گل ارغوان را بخست

Bar ta boerrimen gr s lare shewdIz E donia chi æ khosrew parwi z

بیا تا [یال و دم] شب‌دیز را ببریم چون خسروپرویز از دنیا رفته است.

منظور این بیت این است که مُرده در ایل متناسب با جاه و مقام است.

پ. مُور (mu:r): در پرس موسیقی حضوری پر رنگ دارد و به اطرافیان متوفی کمک می‌کند تا راحت‌تر با غمشان کنار بیایند. مور آوای غمگینی است که در مراسم سوگواری سر داده می‌شود و خواندن آن به همراه صدای سرنا و دهل تسلی‌بخش غم کاکاوندی‌هاست. با بالا آمدن آفتاب و به نوا درآمدن سرنا و دهل نوای چَمَریونه^۱ (Chæmariu:næ) آغاز می‌شود و خبیر مرگ فرد به دیگران اعلام می‌گردد. بعد از صف‌بستن و قرارگرفتن عَلم‌ها و کتل در مرکز چَمَمرگاه زنان و مردان مویه کنان اشعار و ابیات کهنی را زمزمه می‌کنند که حاوی بار موسیقایی و احساسی است. از این ابیات عموماً تحت عنوان مُور تعبیر می‌گردد. بار دیگر در تشیع میت نوای سوزناک سرنا، (چَمَریونه) می‌نوازد. همزمان با استفاده از دهل و سرنا (که می‌توان آن‌را به صورت اسرافیل که همان ندا برای خیزش به جهان ابدی است تشبیه کرد) گروهی دو یا سه نفره از افراد غیر فامیل شروع به مرثیه خوانی می‌کنند که به آنان رآرآ کَر^۲ (Rara Kær) می‌گویند. زنان به مانند مردان مُورخوانی دارند. مُورهایی که خوانده می‌شوند دارای سبک‌های مختلفی هستند.



۱. از مقام‌های غمگین موسیقی لکی.

۲. کسانی که در مدح متوفی مرثیه سرایی می‌کنند.

نمودار شماره ۲: سبک‌های مور

سبک‌های مُور مجلسی

۱. دوپوکی (Dopu:ki): این مُور در سوگ و عزای بزرگان، خوانین و سرداران و به سبکی بسیار متعالی خوانده می‌شود. در دوپوکی قسمتی از مصراع اول دوبار تکرار می‌شود.
۲. لافاوی (Lafawi): لافاو معادل لکی کلمه‌ی سیل می‌باشد، وجه تسمیه این نوع از مُور آن است که به سان سیل باید روان و تند خوانده شود.
۳. پاترمی (Patæirmi): ترم معادل لکی کلمه‌ی تابوت می‌باشد، وجه تسمیه این نوع از مُور آن است که در کنار تابوت فرد متوفی خوانده شود. این سبک مورد علاقه‌ی کاکاوندی‌هاست بسیار حزن‌انگیز است و در مورد آرزوها و آرمان‌های فرد ناکام می‌باشد.
۴. پاکتلی (Pakootæli): این مُور در کنار کُتل خوانده می‌شود و اصولاً با گریه همراه است.
۵. کزه‌چر (Kezæchrr): افراد بازمانده بعد از فوت فرد متوفی خود را تنها می‌بینند، این سبک از مُور مجلسی که با سوز دل همراه است در وصف بی‌کسی و سیاه بختی خویشان است در مراسم چهل‌م و سال سر می‌دهند (نجف‌زاده، ۱۳۹۵).

سبک‌های مُور غیر مجلسی

۱. کوی‌چرّ (Kowcher): در زبان لکی کوی معادل کوه در زبان فارسی و چرّ معادل ندا زدن است و کوی چرّ یعنی ندا زدنی که در کوه انجام شود، این مُور اصولاً توسط چوپانان و شکارچیان انجام می‌شود. اجرای این سبک از مُور به شکلی است که گلوی فرد مُورخوان کاملاً آزاد می‌شود.
۲. لُوورَ لُوور (lu:rælu:r): این مُور که در خلوت و به صورت زیر لب و به صورت نامفهوم خوانده می‌شود تسکینی است برآلام فرد دل‌تنگ.
۳. درونی: این مُور که در وصف افراد جوانمرد است توسط افرادی خوانده می‌شود که در جمع توانایی ابراز احساسات خود را ندارند و برای تسکین آلام و تخلیه‌ی احساسات غم‌انگیز خود که به صورت ریسمانی گلوی آنان را می‌فشارد در خلوت سر داده می‌شود.

ت. شیوه‌ی عزاداری زنان و مردان: زنان به شکل فشرده و دایره‌ای در کنار عَلم و کُتل قرار می‌گیرند. آن‌ها از طریق پوشش گِردمیل^۱ دست‌شان را به شکل چرخشی و به نشان گذر زمان و اعتقاد به چرخش حیات به حرکت در می‌آورند، سپس با گفتن جمله‌هایی از قبیل هئِ روو هئِ روو به سمت کُتل می‌روند که افراد صاحب عزا در کنار آن قرار دارند، بعد از نزدیک شدن شروع به شیون کردن می‌کنند و هم‌زمان با شیون و خراشیدن گونه‌ها، با گفتن الفاظی از قبیل وئِ وئِ به جمع سایر عزاداران می‌پیوندند. پس از لحظاتی عزاداری رودررو با صاحبان عزا به جمع آنان وارد می‌شود و برای دقایقی نیز در میان آنان به چرخاندن دست‌ها خود به دور هم و اجرای موور پا کُتلی و کِزه‌چِر می‌پردازد، در پایان از قسمت دیگر چَمَرگاه خارج می‌شوند تا فرصت عزاداری به دیگران نیز برسد.

مردان صاحب عزا به شکل خطی و نسبت به زنان در فاصله‌ای دورتر از عَلم و کُتل به شکل ایستاده قرار می‌گیرند و آماده می‌شوند تا روبروی مهمانان به عزاداری بپردازند، مردان مهمان نیز با قرار گرفتن خطی در برابر آنان برای آمرزش فرد متوفی طلب آمرزش می‌کنند و بعد از طلب آمرزش از زاویه‌ی دیگر چَمَرگاه خارج شده و زمینه را برای عرض تسلیت سایر مهمانان به خانواده‌ی متوفی فراهم می‌کنند.

چَم وه هشاره دل وه کینه‌وه

دُشمَنهل هَتِن دَس وه شینه‌وه

Doshmenaele haeten daes vae shinawae Chæm vae hæsharæ, del vae kinawæ

دشمنان شیون‌کنان آمدند/ در حالی در نگاهشان شادی [است] و در دل کینه دارند

ج. پرسانه^۲: یکی از رسم‌های سوگ که بیانگر تعاون و همیاری است، «پرسانه» نام دارد. شرکت‌کنندگان در عزا در حد شأن و وسعشان کمک‌های نقدی و یا غیرنقدی (از قبیل، گوسفند، بز، برنج، و یا حتی گاو و گوساله) برای برگزاری مراسم انجام می‌دهند.

پس از تدفین، بنا به رسوم شهرها و طوایف مختلف مراسم تا شب هفتم و یا چهلم در منزل متوفی ادامه می‌یابد که گاه باعث تحمیل هزینه‌هایی به افراد صاحب عزا می‌شود، در برخی از

۱. مدلی برای بستن چادر که زنان در پرس از این مدل استفاده می‌کنند.

۲. کمک هزینه‌ای است که شرکت‌کنندگان در مراسم سوگواری به خانواده سوگوار پرداخت می‌کنند

طوایف و تیره‌ها، مانند تیره‌ی زیورام طایفه‌ی کاکاوند، پس از انجام مراسم تدفین، افراد برای صرف ناهار به منزل خود می‌روند و به جز سوگوارانی که از راه دور آمده‌اند کسی برای ناهار در منزل متوفی نمی‌ماند.

آزیتی: معنای آزیتی سوگواری است مثلاً وقتی گفته می‌شود فلانی آزیتی است یعنی فلانی سوگوار است. سوگوار باید برخی آداب را در سوگ متوفی رعایت کند؛ این آداب موارد زیر را شامل می‌شود.

روشن کردن چراغ: کاکاوندی‌ها به نور و نورانیت اعتقاد دارند بنابر این برای این که قبر متوفی را نورانی کنند تا سه شب بر سر مزار وی آتش روشن می‌کنند.

سرخاک: خانواده و آشنایان متوفی تا چهلم هر هفته در روز پنج‌شنبه بر سر قبر او حاضر شده و از خداوندگار خویش برای او طلب آمرزش و مغفرت می‌کنند. این رسم در بین کاکاوندی‌ها «سرخاک» نامیده می‌شود.

لباس تیره و یا سرمه‌ای: مردمان آشنای متوفی و کسانی که می‌خواهند سوگواری خود را نشان دهند تا چهلم و یا حتی تا سال‌گرد متوفی رخت سیاه بر تن می‌کنند.

شَرْت بُو بپووشم جامه قَطرانی چوی مَجَنوون بِنِم سِرِ ئه وِثرانی

Shært bu: bpu:shem jamæ ghætrani Choei Mæjnu:n benem sær æ vi rani

عهد می‌بندم که در [سوگ تو] جامه‌ی سیاه بپوشم / [و] مانند مجنون سر به بیابان بگذارم

به تعویق انداختن مراسم شادی: آشنایان متوفی و سوگواران مراسم شاد و خانه‌تکانی را به بعد از چهلم و یا حتی سالگرد متوفی موکول می‌کنند.

مکئس^۱: بعد از اتمام زمان سوگواری، گروهی از زنان و مردان خانواده معزا برای پایان دادن به سوگواری به خانه‌هایی که در سوگ متوفی نشسته‌اند می‌روند. مردان خانواده‌ی معزا به مردان سوگوار تیغ و پیراهن می‌دهند تا صورت خود را اصلاح کند و همچنین با دادن یک پیراهن رنگی به او لباس سیاه را از تنش در می‌آورند. زنان خانواده‌ی معزا نیز به زنان سوگوار حنا، شانه

و «کراس^۱» می‌دهند تا گیسوان خود را حنا گذاشته و شانه کنند، همچنین با دادن یک «کراس رنگی» لباس سیاه را عوض کنند.

۶-۲- کارکردهای سُوگ در غیاب نهادهای مدرن

حل منازعه^۲: در هر سرزمینی منازعه وجود دارد اما در میان ایل کاکاوند شدت بیشتری دارد. بر طبق آمار نیروی انتظامی در سال ۱۳۹۶ شهرستان هرسین با تعدا ۳۱۸ نفر در ۱۰۰ هزار نفر دستگیر شده بر اثر نزاع‌های دسته‌جمعی دومین شهر استان است و میانگین استان ۱۴۹ در ۱۰۰ هزار است. این عدد بیش از دو برابر استان است. منازعات همواره توسط رهبران فکری محلی حل و فصل می‌شد. هر ایل و طایفه‌ای رهبر و رهبران فکری داشت که همگان حکمیت وی را فصل‌الختم می‌دانستند و معمولاً مداخله این افراد تنش‌ها را تقلیل می‌داد. به دلایلی که در حیطه این مقاله نمی‌گنجد روز به روز از تعداد چنین افرادی کاسته می‌شود. ایل کاکاوند در دهه ۶۰ حداقل ۱۰ نفر رهبر فکری داشت که نقش موثری در کاهش درگیری و یا حل و فصل آن داشتند اما اکنون از وجود چنین افرادی عاری است. سُوگ چنین جایگاهی را بدست آورده است.

«چنانچه دو خانواده، دو مال و یا هوز با هم کدورت داشته باشند. در مراسم پرس چند نفر میانجی (که معمولاً افراد ریش سفید هستند) میانجیگری می‌کنند و طرفین منازعه را به خانه خود دعوت می‌کنند و آن‌ها را به صلح، مدارا و گذشت فرا می‌خوانند. تمام این اعمال در فرآیند پرس اتفاق می‌افتد. اگر صاحب عزا طرف دعوا باشد صرف شرکت در پرس به معنی پیشنهاد صلح است و احتیاجی به میانجیگری نیست. به طور طبیعی از شدت کدورت و یا منازعه کاسته می‌شود» (حبیب، ۴۵ ساله از تیره زیورام).

طرفین منازعه با مرگ یکی از طرف مقابل با حضور پررنگ در مراسم شدت تنش را کاهش می‌دهند. تعدد دفعات حضور، به همراه داشتن زنان خانواده (به ویژه زنان سالمند) به معنای پیشنهاد صلح و یا کاهش تنش است. در چنین مواردی مشارکین در سُوگ فضای گفتگو را فراهم

۱. پیراهن زنانه و یا مردانه را کراس می‌گویند.

۲. منازعه شامل نزاع دسته‌جمعی، قتل، کینه و کدورت است.

می‌کنند. آن‌ها با مهارت خاصی فضای گفتگو را به سوی اشتراکات طرفین هدایت می‌کنند. معمولاً ریش‌سفیدان و افراد با تجربه باب سخن را می‌گشایند و از روایت‌ها و داستان‌هایی در باب دوستی‌های قدیم، قرابت‌های خویشاوندی بحث را شروع می‌کنند. دیگران نیز به فراخور تجربیات و فرصتِ گفتگو در بحث شرکت می‌کنند. افرادی که قصد داشته باشند فتنه‌گری کنند و بر منازعه دامن بزنند دیگران وی را در همانجا شمتت می‌کنند و به‌عنوان مداخله‌ای نابجا از آن یاد می‌کنند. چنانچه کدورتی پیش آمده باشد همگان خبر دارند و افراد به طور خودجوش تلاش می‌کنند دلایلی برای قصور طرفین پیدا کنند و بر بخشش و مدارا تکیه کنند تا افراد به هم نزدیک‌تر شوند. این‌که صاحبان عزا با گشاده‌رویی و کمترین مقاومت دشمنان خود را می‌پذیرند از ویژگی‌های برجسته سوگ است. سوگ وسعت نظر، بخشش و بزرگواری افراد را فزونی می‌بخشد. این امر یکی از دلایل جایگاه برجسته این مناسک است و افراد به درستی آن را تکریم می‌کنند.

حل منازعه در نهادهای قضایی به دلیل بوروکراسی حاکم در آن‌ها فرآیندی کند و طاقت‌فرساست. شدت بالای منازعات در این سیستم کند به زودی قابل حل و فصل نیست. بنابراین طرفین منازعه بدنبال راه‌حل راحت‌تری هستند و آن سوگ است. شاکیان هر نوع منازعه‌ای، حضور طرف را در سوگ خیلی معتنم می‌شماند و در این مراسم کاستن تنش را راحت‌تر می‌دانند.

تمایز اجتماعی: تمایزبایی ویژگی جوامع انسانی است (وبلن، ۱۳۸۷؛ بوردیو، ۱۳۹۵). ایل کاکاوند دارای تمایزات اجتماعی پرنرنگی است که بنیان آن طایفه و خانواده و خویشاوندی است. افراد ناشناس هنگام برخورد با هم اولین سوالی که از هم می‌پرسند درباره طایفه و هوز آنهاست. آن‌ها هویت اجتماعی خود را با این تمایزات مشخص می‌کنند. سوگ مهم‌ترین و تنها فضا برای برساخت تمایزات اجتماعی است. در دهه‌های اخیر که ساز سُرنا و موسیقی چمری از بین رفت شغلی تحت عنوان "قاری" جای آن را گرفت. قاری کسی است که با استفاده از بلندگو حضور نمایندگان ایلات و طوایف را اعلام می‌کند. وی به تجربه اغلب ایلات و طوایف را می‌شناسد. همچنین افرادی از خانواده صاحب عزا در کنار وی هستند تا حضار را به وی معرفی و جایگاه بازماندگان را گوشزد کنند. هنگام تشریف‌فرمایی افراد یک طایفه یا خاندان،

قاری نام تازه فوت‌شدگان طایفه و بازماندگان آن‌ها را قرائت می‌کند. معمولاً در مورد بازماندگان به عنوان، مشاغل، رشادت، بخشندگی توجه می‌کنند آن‌ها نیز به تناسب بضاعت مالی به قاری پول می‌دهند تا نام خاندان و تازه درگذشته‌شان را به کرات تکرار کند. چنانچه گروهی در مناسک حضور بیابند و گوینده نام آن‌ها را ذکر نکند مایه کدورت می‌شود. حاضرین در مناسک نیز به دقت اسامی طوایف، خاندان‌ها و تازه در گذشتگان را رصد می‌کنند و بعد از اتمام مناسک درباره آن بحث می‌کنند.

«افراد برای شرکت در سوگ بهترین لباس‌ها را می‌پوشند. بزرگان مال‌ها تمام فرزندان خود را جمع می‌کنند و همزمان شرکت می‌کنند تا انسجام و توجه آن‌ها به صاحب‌عزا دیده شود. برخی از مهاجرین تهران ماشین‌های گران‌قیمت اجاره می‌کنند و در پرس حضور می‌یابند تا تمکن مالی آن‌ها مشخص شود. برخی نیز با بروز اغراق‌آمیز احساسات خود سعی می‌کنند میزان دوستی خود را نشان دهند. روی هم رفته بیشتر اعمال افراد در پرس تظاهر است» (آیت، ۴۲ ساله، از هوز فرزالی).

عمده هدف حضار توجه به شدت روابط خانواده متوفی با تیره‌های مجاور است. هر چه گروه‌های اجتماعی بیشتری شرکت کنند بیانگر سرمایه اجتماعی بالای صاحب‌عزاست. صاحبان عزا با حضور افراد بیشتر خوشحال می‌شوند و مایه مباهات آنهاست. فرد با شرکت در یک مناسک متوجه تمایزات اجتماعی، قدرت خانواده‌ها، وضعیت روابط و قرابت طوایف می‌شود. در این زمینه ظرافت‌های خاصی وجود دارد. اگر در مورد جایگاه افراد، خاندان‌ها و طوایف اغراق شود مایه تمسخر است.

ابزار بعدی بازنمایی، آواری «مور» است. خوانندگان (چه زن و چه مرد) مور در اشعار خود توجه وافر به خاندان خود و افراد سرشناس تازه درگذشته دارند و بنا به وصف حال متوفی ایات آن را انتخاب می‌کنند. مورخوانان فرد متوفی را به بازماندگان توانمند، خوشنام و مشهور نسبت می‌دهند. تعداد آن‌ها در هر مراسم به چندین نفر می‌رسد و هر کدام به طور جداگانه رشادت‌ها، حوادث و کارهای ارزشمند خاندان خود را روایت می‌کنند و سوگ را فضایی برای بازنمایی اعمال و کارنامه عزیزان درگذشته خویش می‌دانند. هر خاندانی که مورخوانان بیشتر و نکته‌دانی داشته باشد بازنمایی بیشتری دارد. مناسک سوگ، سایت نمایش بضاعت مالی است.

نمایشی بی‌رحمانه که علاوه بر تفاوت‌های فرهنگی نابرابری اقتصادی نیز در آن هویداست. اتومبیل‌های لوکس و لباس ایزار این نمایش تمایزآفرین هستند. افراد بهترین لباس می‌پوشند و سعی می‌کنند تنگناهای مالی را تحمل اما با اتومبیلی در خور شان در سوگ حضور بیابند. بسیاری از فرودستان توان رقابت با توانگران را ندارند و در این مسابقه انصراف می‌دهند در صورتی که ماجرا برای آن‌ها دردناک است.

در جهان مدرن افراد تمایزیابی را از طریق سبک زندگی، مصرف متظاهرانه در فضاهای عمومی، محل کار، فضاهای مصرف به نمایش می‌گذارند. شهرهای کوچک ایل کاکاوند با فقر فضای عمومی و فضای مصرف شانس کمتری برای تمایزیابی به افراد عرضه می‌کنند. در شهر هرسین پارک بزرگی وجود دارد که دارای محدودیت جنسی است، زنان در آن حضور ندارند. خیابان مرکزی آن نیز حیات شهری ندارد. جدایی‌گزینی اقتصادی در هرسین، صحنه و نورآباد که محل سکونت این ایل است وجود ندارد و اغنیا و فقرا در کنار هم زندگی می‌کنند. بنابراین آن‌ها نمی‌توانند از طریق سکونت کردن خود را متمایز سازند. تنها محمل بروز این نیاز انسانی سوگ است. پرسش جدی این است که چرا مراسم عروسی (سور) این کارکرد را ندارد. دلایل متعددی می‌توان برشمرد. نخست، گستردگی مشارکین در عروسی اندک است. معمولاً دو خاندان (شبکه خانواده و خویشاوندی) در آن حضور دارند. در حالی که تمام طوایف مجاور و یا حتی بخش اعظمی از ایل در سوگ شرکت می‌کنند.

دوم، افراد میانسال، سالمند و یا تاثیرگذار کمتر در عروسی شرکت می‌کنند. عروسی مراسم جوانان است اما سوگ سایتی برای همگان به ویژه بزرگسالان تصمیم گیرنده است. توانگران مالی، کاندیداهای پست‌های نمایندگی، بزرگان ایلات و طوایف با توجه به ساختار متفاوت این دو آیین، سوگ را ترجیح می‌دهند. جایگاه رفیع سوگ و تنها فضای بازنمایی در این سرزمین سبب شده که کاندیداهای مجلس، شورای شهر و روستا با هوشمندی از فرصت به دست آمده استفاده کنند و مدام در این فضاها شرکت کنند تا محبوبیت کسب کنند و بتوانند در انتخابات بر رقبا پیروز شوند. آن‌ها یا خود در این مراسم شرکت می‌کنند و یا نمایندگانی را برای این وظیفه خطیر معرفی می‌کنند.

همبستگی اجتماعی و الزام جبران: سوگ در ایل کاکاوند الزام‌آور است. دلایل این الزام بخشی به خاطر تکریم نیاکان و ارتقای جایگاه طایفه خود در میان طوایف دیگر است. مشارکت آن‌ها بدان خاطر است تا حیات، سرزندگی و کارنامه طایفه خود را مطرح کنند. اگر نماینده‌ای از یک خاندان در سوگ شرکت نکند نشانه نابودی، فقر، بی‌توجهی و یا زوال آن است. اجبار ساختار اجتماعی که در آن می‌زیند فرد را مجبور به ادای احترام به آن می‌کنند.

مگر می‌شود در مراسم عزا شرکت نکرد آنوقت مردم چی می‌گن. فکر می‌کنن آدم (پیا) نداریم. خدا راشکر همه چی هست. بچه‌هان دست‌شان به دهن‌شان می‌رسد. همه چی تمام‌اند با لیاقت، با درآمد. جای باباشان را حفظ کردن. بذار همه بدانن فرزندان ... چه جایگاه و منزلتی دارن» (خانم طلا، ۷۰ ساله: از اهالی ایل کاکاوند).

مصاحبه بالا نشان می‌دهد که این الزام ادای احترام به خاندان و نیاکان خود است. اما همین امر برای صاحب عزا احترام به همراه دارد و جبران را اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. صاحبان عزا اسم تمام مشارکین را یادداشت و حتما جبران می‌کنند. آن گونه که مارسل موس (۱۳۹۴) در «پیشکش» نشان داد جبران چیز اضافه‌ای دارد. اگر از طایفه‌ای ۱۰ نفر در سوگ شرکت کنند خانواده متوفی بیشتر از ۱۰ نفر در مراسم بعدی شرکت می‌کنند. عدم جبران به معنای قطع رابطه است و معمولاً چنین چیزی اتفاق نمی‌افتد. این الزام و جبران همبستگی طوایف را بالا می‌برد.

مکانیسم احترام و جبران در درون یک خاندان نیز رخ می‌دهد. آن‌ها حتماً در مراسم سرلش حضور به هم می‌رسانند. بندرت اتفاق می‌افتد که آن را از دست بدهند. اغلب افراد این خاندان تا هفتمین روز در خانه متوفی حضور دارند. در این یک هفته با در کنار هم هستند و روابط خویش را مستحکم می‌کنند. هر شب بعد از اتمام مراسم در خانه یکی از اقوام گرد هم می‌آیند و تا پاسی از شب به گفتگو می‌پردازند. شب نشینی یکی از آیین‌های پایدار کاکاوندی‌هاست و مناسک سوگ بدان غلظت بیشتری می‌بخشد. در این شب‌ها درباره خاطرات گذشته حرف می‌زنند و در این میان ازدواج‌هایی هم صورت می‌گیرد که همبستگی اجتماعی را بالا می‌برد.

روح جمعی و اجتماعات انسانی در مناسک تبلور می‌یابد (دورکیم، ۱۳۹۳). این اجتماعات در دنیای جدید در کنسرت‌های موسیقی، همایش‌ها، نشست‌ها، فضاهای فراغت، جشنواره‌ها،

پرسه‌زنی، کافی‌شاپ شکل می‌گیرند و امکان دیدار و گزینش را فراهم می‌کنند (شولتز، ۱۳۸۷، ۱۳۸۸، ۱۳۹۱) سرمایه اجتماعی برون‌گروهی را افزایش می‌دهند. در نتیجه این مهم احساس تعلق و احساس یکپارچگی افزایش می‌یابد. امکان شکل‌گیری اجتماعات انسانی به شیوه مدرن در شهرهای هرسین، صحنه و نورآباد گرچه غیر ممکن نیست اما اندک است. آن‌ها از فقر فضای فراغت، عدم برگزاری جشنواره، نشست و همایش رنج می‌برند. بنابراین سوگ این نیاز را برای آن‌ها جبران می‌کند.

سوگ نیازمند هیچگونه زیرساختی نیست. به مثابه فضای سیالی است که در هر مکان و زمانی امکان برگزاری آن وجود دارد. هیچ منع قانونی و یا عرفی ندارد. همگان به ویژه تصمیم‌گیرندگان نیز از آن استقبال می‌کنند. بدون هیچگونه برنامه‌ریزی و دعوتنامه‌ای عملیاتی و محقق می‌شود. نیاز با هم بودن در یک اجتماع انسانی را پاسخ می‌دهد. متولی آن نهادهای رسمی نیست. احتیاجی به برآورد هزینه ندارد. اجتناب ناپذیر است. چون با هویت صاحب متوفی گره خورده است آن‌ها از هر گونه ظرفیتی برای هزینه کردن دریغ نمی‌کنند. شکوه و جایگاه رفیع سوگ به طور همزمان در کمبود و پاسخ به یک نیاز اساسی است. این است بخشی از راز ابهت سوگ در ایل کاکاوند.

۶-۳- کاکاوندی‌های مهاجر در کلان‌شهرهای تهران و کرمانشاه

بدین ترتیب مهم‌ترین سوال پیش‌رو این است که چرا کاکاوندی‌های مهاجر در دو کلان‌شهر کرمانشاه و تهران همچنان سوگ را مهم‌ترین مناسک خود می‌دانند؟ برای پاسخ به این سوال باید به وضعیت سکونت آن‌ها در این کلانشهرها پرداخت. کاکاوندی‌های مقیم کرمانشاه عمدتاً در جعفرآباد، حافظیه، کیانشهر، رشیدی (بنگرید به قلی‌پور، ۱۳۹۱). و در تهران در شهرک‌های اقماری اندیشه، قدس، ویره، شهریار، سرآسیاب و مارلیک ساکن هستند (صدیق سروستانی و قلی‌پور، ۱۳۸۸). وجه مشترک این شهرک‌ها، مسکونی بودن، فقر فضاهای عمومی و تمام‌عنصری هستند که امکان با هم بودن را ممکن می‌سازند. عناصری که فرد را به بدنه شهر و بافت اجتماعی آن وصل می‌کنند. این شهرک‌ها با بدنه اصلی شهر ارتباط ندارند بدین‌روی ساکنان آن‌ها احساس تعلق و جذب شدن در شهر را از دست می‌دهند و با شهر اصلی سرنوشت مشترکی پیدا نمی‌کنند.

بنابراین مقصد جدید کاکاوندی‌های مهاجر به مانند شهرهای هرسین، صحنه و نورآباد از فقر فضاهای عمومی و عدم امکان شکل‌گیری اجتماعات انسانی رنج می‌برند. آن‌ها همچنان سوگ را بهترین فضا برای حل منازعه، احساس همبستگی و تمایز اجتماعی می‌دانند.

«در هفته گذشته محمدرضا سه بار برای فاتحه‌خوانی از تهران به اینجا آمد. بسیاری از کاکاوندی‌های مقیم تهران چنین وضعیتی دارند. بارها اتفاق افتاده چندین هفته پشت سر هم برای سوگ بین هرسین و تهران رفت و آمد کرده‌اند» (آقا رضا، ۴۵ ساله، ساکن روستای هزارخانی).

ظاهراً کاکاوندی‌ها در مقصد جدید مهاجرت خویش هنوز خو نگرفته‌اند و کماکان برای برآوردن نیازهای اجتماعی خود در مراسم سوگ در کاکاوند شرکت می‌کنند. چنانچه یکی از افراد این ایل در مقصد جدید فوت کند مناسک سوگ وی را نه در آن شهر بلکه در کاکاوند برگزار می‌کنند.

نتیجه‌گیری

نظام اجتماعی کاکاوندی‌ها مبتنی بر طوایفی هم سطح، هم ارز است که در درون خود سلسله مراتب اجتماعی طایفه، تیره، هوز و مال را دارند. سوگ مناسکی پراهمیت، طولانی، پرهیاهو، جدی، گسترده برای نمایش چنین نظام اجتماعی است. سوگ تمایزات، اهمیت و قدرت طوایف را به نمایش می‌گذارد. هویت جمعی آن‌ها را بازتعریف می‌کند و با دقت و وسواس تمام اجرا می‌شود. همگان در برگزاری آن مهارت دارند. به مانند فضای سیالی است که در لحظه در مکان مستقر و به نحو احسن اجرا می‌شود. زیرا اغلب در برگزاری آن مهارت دارند. شرکت در سوگ از جانب ساکنین این ایل نیز امری الزامی است. سوگ سه کارکرد مهم دارد: حل منازعه، تمایز اجتماعی و همبستگی اجتماعی. نخست، منازعه در میان کاکاوندی‌ها به خاطر پراکندگی طوایف و شیوه معیشت سخت و دشوار (کوهستانی) تنش‌زا است. سوگ با پادرمیانی ریش‌سفیدان و منطق‌گفتگو این تنش‌ها را حل و فصل و یا کاهش می‌دهد. دوم، سوگ سایتی است برای نمایش نظام اجتماعی، ثروت و پرستیژ اجتماعی. فضای سوگ امکان برساخت هویت طایفه‌ای، قبیله‌ای و در سطحی کوچکتر خاندان را ممکن می‌سازد. همچنین

افراد در این فضا تمکن مالی خود را به نمایش می‌گذارند. سوگ این نیاز را در تمام سطوح سنی انجام می‌دهد. در سرزمین کاکاوند به غیر از سوگ جایی برای برساخت تمایز اجتماعی وجود ندارد. سوم، سوگ از طریق مکانیسم الزام و جبران همبستگی اجتماعی را در سطح یک طایفه و یا طوایف مجاور ممکن می‌سازد.

این کارکردها در دنیای مدرن عمدتاً بر عهده بوروکراسی‌ها، زیرساخت‌ها (فضاهای عمومی، فضاهای مصرف، پرسه‌زنی) و رسانه‌های تصویری است. در کاکاوند ما با فقر این نهادها و زیرساخت‌ها روبرویم، آن‌ها بناچار برای جبران این کارکردها به مناسک سوگ روی می‌آورند. علاوه بر نیاز تمایز اجتماعی، اجتماع‌گرایی نیز یکی از خصایص برجسته کاکاوندی‌هاست. مناسک و گردهم‌آیی‌های مدرن مانند همایش، نشست، کنسرت، فضای فراغت برای پاسخ به این نیاز وجود ندارد و سوگ تنها جایگاهی است که این مهم را برآورده می‌کند. بدین ترتیب سوگ نیازهای مهمی را برآورده می‌کند که امکان تأمین آن در جای دیگری وجود ندارد.

سوگ مناسکی فرمال و کم‌محتوی نیست. نمایشی از زندگی کاکاوندی‌هاست. خود زندگی است که در این قالب جریان دارد. موضوعی برای مباحث روزمره است. تجلی عواطف و احساسات آنهاست. سرمایه اجتماعی در آن موج می‌زند. جایگاه تولید اعتماد، دوستی، مودت و احترام برای طوایف و قبایل است. تا کنون موردی از منازعه در سوگ گزارش نشده است. اغلب حضار در این مناسک خوددار، محترم و مصالحه‌جو هستند.

منابع

- بوردیو. پیر (۱۳۹۵). تمایز: نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: ثالث
- جکسون. مایکل (۱۳۹۶). تجربه‌گرایی رادیکال (درباره کار و نوشتار اتنوگرافیک). گردآوری و ترجمه اصغرایزدی جیران. تهران: تیسرا
- خاکسار. علی (۱۳۹۶). واکاوی جایگاه نماد و نمادپردازی در مراسم آیینی-نمایشی چَمَر (مطالعه موردی بر روی قوم کرد در غرب ایران). نامه هنرهای نمایشی و موسیقی. دوره ۸. شماره ۱۵. ص

۵-۲۱

- دورکیم. امیل (۱۳۹۳). صور بنیانی حیات دینی. ترجمه باقر پرهام. تهران: مرکز

- سالنامه آماری ثبت احوال (۱۳۹۵)
- سرشماری نفوس مسکن (۱۳۹۵)
- شولتز. کریستین (۱۳۸۷). مفهوم سکونت: به سوی معماری تمثیلی. ترجمه‌ی محمودامیر یاراحمدی. تهران: آگه
- _____ (۱۳۸۸). روح مکان: به سوی پدیدارشناسی معماری. ترجمه‌ی محمدرضا شیرازی. تهران: رخداده نو
- _____ (۱۳۹۱). معماری: حضور. زبان و مکان. ترجمه‌ی علیرضا سیداحمدیان. تهران: نیلوفر
- صدیق سروستانی. رحمت‌اله ؛ قلی‌پور. سیاوش (۱۳۸۸). حاشیه‌ای بودن و شکل‌گیری هویت اجتماعی قوم لک. تحقیقات علوم اجتماعی ایران. سال ۱. شماره ۲. ص ۳۴-۱۹.
- قلی‌پور. سیاوش (۱۳۹۱). تولید اجتماعی فضای شهری (مطاله موردی: شهر کرمانشاه). رساله دکتری. دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه تهران
- گیلانی. نجم‌الدین ؛ گیلانی. آذرنوش (۱۳۹۳). سوگ سیاوش و شباهت آن با سوگ آیین‌های محلی لری و کردی. فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. دوره ۴. شماره ۱. ص ۱۲۰-۱۸۱
- مارچسیون. جولیان (۱۳۹۲). مردم‌نگاری: طراحی. هدایت و ارائه‌ی تحقیق. ترجمه سیدقاسم حسنی. تهران: نشر جامعه‌شناسان
- مرادخانی. صفیه ؛ قبادی. پرستو (۱۳۹۰). آیین سوگواری در ایل کاکاوند. فرهنگ مردم ایران. شماره ۲۶. ص ۹۳-۱۲۰
- موس. مارسل (۱۳۹۴). رساله پیشکش. ترجمه لیلا اردبیلی. تهران: انتشارات علمی فرهنگی
- نجف‌زاده قبادی. امیدعلی (۱۳۹۵). ادبیات عامه لکی. خرم‌آباد: نشر شاپورخواست
- ویلن. تورشتاین (۱۳۸۷). طبقه تن آسا. ترجمه فرهنگ ارشاد. تهران: نشر نی
- Bogden. R.; Taylor. S. (1977). **Introduction to Qualitative Research Method**. New York: Wiley
- Brewer. J. (2005). **Ethnography**. Open University Press
- Fetterman, D.H. (2010). **Ethnography**. London: Sage
- Hammersly. M.; Atkinson. P. (2007). **Ethnography: Principle in Practice**. London: Tavistok